

مقاله

روزنامه‌نگاری مهاجرین افغانستانی در ایران (نگاهی از درون)

○ بصیر احمد دولت‌آبادی

(نویسنده، پژوهشگر و روزنامه‌نگار افغانستانی)

احزاب جهادی را نادیده بگیریم؛ چراکه بسیاری از نشریات با احزاب آمدند و با احزاب هم رفتند. در حقیقت قسمت عمده‌ای از روزنامه‌نگاری مهاجرین، روزنامه‌نگاری جنگ و مرتبط با جنگ است. زیرا گردانندگان پشت صحنه این نشریات و حتی بسیاری از نویسندگان این نشریات، افراد جهادی بوده‌اند.

از اینروست که ما این واقعبیت را شاهد هستیم که با برگشت احزاب سیاسی به وطن، بسیاری از نشریات، حتی نشریاتی که در ظاهر شعار بی‌طرفی سر می‌دادند، ایران را ترک گفته به کابل رفتند. درحالی که قضیه مهاجرت و مهاجرین همچنان باقی است. بنابراین در بیان روزنامه‌نگاری مهاجرین باید کمی تامل نمود چراکه این مهاجرین نبودند که این نشریات را اداره می‌کردند، بلکه این احزاب جهادی و سیاسی بودند که به نام مهاجرین فعالیت داشتند.

اکنون که فعالیت‌های سیاسی احزاب افغانستانی در ایران محدود شده، ما به خوبی شاهد هستیم که جز چند نشریه دانشجویی و طلبگی و یکی دو نشریه ادبی - هنری، نشریه دیگری در ایران انتشار نمی‌یابد.

اشاره:

روزنامه‌نگاری مهاجرین افغانستانی در ایران، همچون خود مهاجرت افغانستانی‌ها در ایران، بر اساس هیچ برنامه و طرح منظمی آغاز نشد و در طول حیات خود نیز به قانونمندی مطبوعاتی نرسید، یعنی حرفه‌ای نشد.

نشریات مهاجرین، همانند انتشاردهندگان خود، همواره تحت شرایط سیاسی دو کشور میدا و میزبان، دچار نوسانات نشر و پخش گردیده، گاه با تعطیلی همراه بوده و گاه از تعطیلی به انتشار کشیده شده است.

اگر به گذشته برگردیم، آغاز فعالیت نشریات و مهاجرین افغانستانی در ایران را سال ۱۳۵۸ خواهیم یافت. در این سال است که بسیاری از احزاب سیاسی - جهادی افغانستان، به خصوص گروه‌های شیعی این کشور، شکل گرفته‌اند. همزمانی شکل‌گیری احزاب جهادی با فعالیت روزنامه‌نگاری مهاجرین در ایران، این واقعبیت را برای ما روشن می‌سازد که در بررسی نشریات مهاجرین، نباید پدیده



این امر تاثیرگذاری احزاب افغانستانی را بر روزنامه‌نگاری افغانستانی‌ها در ایران به خوبی به نمایش می‌گذارد.

همانگونه که اشاره کردید، آغاز فعالیت روزنامه‌نگاری مهاجرین به سال ۱۳۵۸ برمی‌گردد. روزنامه‌نگاری‌ای که در طول ۲۳ سال حیات پرفراز و نشیب خود و با پشت‌سر گذاردن تحولات مهمی که در عرصه روزنامه‌نگاری مهاجرت داشته، اینک که به وطن برگشته و یا برمی‌گردد، رد پای روشن و مشخصی از خود در کشور میزبان - از دوره‌ی غربت و آوارگی - بر جای گذاشته است.

اگرچه روزنامه‌نگاری مهاجرین افغانستانی در ایران نتوانست اعتبار لازم و درخوری را که شایسته‌ی آن بود کسب نماید؛ یعنی کشور میزبان از کنار آن بی‌تفاوت گذشت بی‌آنکه بهای لازمی به آن بدهد، ولی این واقعیت را نمی‌توان کتمان نمود که روزنامه‌نگاری مهاجرین، با تمام کاستی‌ها و کمبودها و حرفه‌ای نبودن - که شاید طبیعی هم بود - بر شناخت نسبی روزنامه‌نگاری کشور میزبان نسبت به مردم و کشور افغانستان افزود؛ چیزی که امروزه کسی به اهمیت آن پی نبرده و یا اینکه اعتراف ننموده است.

اکنون در پایان دوره‌ی فعالیت نشریات حزبی مهاجرین افغانستانی در ایران، باید این نکته را اذعان نمود که روزنامه‌نگاری مهاجرین در مرحله‌ی حساس و سرنوشت‌سازی قرار گرفته است. چراکه بسیاری از نشریاتی که در ایران منتشر می‌شده‌اند به محض عودت به افغانستان، با تغییر نام و عنوانی که در دوره‌ی مهاجرت داشته‌اند به تغییر موضع‌گیری‌ها و خط‌مشی‌ها نیز پرداخته‌اند.

راقم این سطور، به عنوان بازمانده‌ای از روزنامه‌نگاری دوران پرآشوب جنگ و جهاد و به عنوان کسی که ۲۲ سال تمام با نشریات مهاجرین همکاری نموده و در ایجاد و راه‌اندازی و همینطور در ادامه کار تعدادی از این نشریات نقش مستقیم داشته، مثل: مجله جیل‌الله، بولتن خبری سازمان نصر، خبرنامه سحر، بولتن خبری حزب وحدت، پیام خون، پیام نصر، سلام، عبرت، سراج و هفته‌نامه وحدت که در خصوص هفته‌نامه وحدت، منظور یکی دو سال آخر آن است و نیز به عنوان کسی که در برخی از نشریات نقش مشورتی داشته، مثل: رهروان، رهروان رهبر، همبستگی، صراط، درّ دری و در پاره‌ای از نشریات نیز همکاری قلمی نموده، مثل: بعثت، هاجر، اخوت و... و همینطور همکاری با برخی نشریات مهاجرین افغانستانی در خارج از ایران؛ اکنون خود را در موقعیت کهنه سربازی می‌بیند که تمام لشکریان در حال بازگشت هستند، با خوشی‌ها و ناخوشی‌ها، با پیروزی‌ها و شکست‌ها و با کوله‌باری از غنائم. ولی این کهنه سرباز وقتی خبر شده است که نه اسبی دارد و نه زاد و توشه‌ای. لذا بر بلندای تلی قرار می‌گیرد و بازگشت شتاب‌آلود لشکریان را نظاره می‌کند و در فکر فرو می‌رود که چه یارانی را از دست داده، به آینده نگاه می‌کند که سایه روشنی بیش نیست.

در همان بلندای تل است که می‌بیند هنوز شماری از لشکریان عقب مانده‌اند و چه با شتاب از کنار او می‌گذرند، بی‌آنکه پرسند چرا باز مانده است. اینجاست که این کهنه سرباز بر آن می‌شود تا خلاصه و شمه‌ای از آنچه را که از روزنامه‌نگاری دوره مهاجرت در خاطر دارد



بنویسد تا معبری باز شود برای شناخت بیشتر روزنامه‌نگاری مهاجرین افغانستانی در ایران.

روزنامه‌نگاری مهاجرین افغانستانی در ایران، اهداف و انگیزه‌ها

پیشاپیش باید این نکته را یادآور شد که تمامی نشریات اولیه مهاجرین که در واقع نشریات جهادی به شمار می‌آیند، با تأثیرپذیری از جو و فضای پیروزی انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته‌اند.

چنانکه می‌دانیم روزنامه‌نگاری مهاجرین افغانستانی در ایران، از سال ۱۳۵۸ شکل گرفته و تنها در این سال ۲۲ عنوان نشریه منتشر شده است که غالب عناوین این نشریات ریشه اسلامی و قرآنی دارد.

مانند: امت، بشارت، استقامت، اسلام مکتب توحید، انقلاب اسلامی، راه حق، پیام مجاهد، پیام مهاجر، پیکار اسلامی، پیام مستضعفین، هجرت و... و تنها چند عنوان است که عنوان آنها از میهن و آزادی میهن حرف می‌زند مانند: پیام افغانستان و درفش آزادی. ولی ۲۰ سال بعد وقتی به نشریات تازه تاسیس شده سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ نگاه می‌کنیم، اسامی نشریات رنگ دیگری گرفته‌اند. مانند: آریانا، پوهنتون، حمایت، صدای زن، عصر نوین، مردم، میهن و...

این مقایسه را اگر در طی ۲۳ سال مورد تدقیق قرار دهیم، آن وقت است که به خوبی به اهداف و انگیزه‌های ناشران این جراید پی خواهیم برد. به طور مثال، بعد از آنکه در سال ۱۳۶۸ حزب وحدت به وجود آمد، نشریات این حزب و وابستگانش به نحوی پسوند وحدت را مورد استفاده قرار داده‌اند. مانند: تجلی وحدت، بولتن خبری وحدت، میثاق وحدت، هفته‌نامه وحدت، منشور وحدت، بنیاد وحدت و... پس انگیزه‌ها هرچه بود، ظاهر اسلامی داشت؛ آن هم اسلام جهان‌شمول و فرامرزی. در این خصوص می‌توان با مراجعه به شماره‌های اول نشریات و اهداف گردانندگان آن که در صفحات اول آن ثبت شده به این مسئله پی برد.

شعارهای اولیه تمامی نشریات، بزرگتر و بالاتر از آن است که در عمل پیاده شود، چون خیلی از شعارها کلیشه‌ای و عاریت گرفته شده از رژیم‌های انقلابی و یا نهضت‌های انقلابی جهان بود، که بیشتر جنبه ایده‌آلی دارد. اما حقیقت این است که به مرور زمان و با مواجه شدن با واقعیت‌ها و نیز فروکش نمودن تب انقلابی‌گری، موضع‌گیری‌ها نیز خود به خود تغییر نمود. اما شعارهای کلیشه‌ای در پیشانی برخی از نشریات همچنان تا آخر عمرشان باقی ماند. مثل: نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی؛ و یا مرگ‌بر استکبار جهانی به سرکردگی امریکا، شوروی و چین.

به هر صورت، نشریات اولیه مهاجرین افغانستانی در ایران، بیشتر بیانگر اهداف آرمانی گروه‌های جهادی بود که در کنار مبارزه مسلحانه علیه اشغال نظام شوروی و حکومت دست‌نشانده‌ی آن در کابل، در

صحنه‌ی مطبوعات نیز حضوری فعال یافته بودند. اما خیلی زود با شعله‌ور شدن جنگ‌های داخلی بین احزاب، بسیاری از موضع‌گیری‌های نشریات نیز تغییر نمود.

از آنجایی که خود احزاب بر اثر ناپختگی و یا احیاناً رقابت‌های تند، دچار دگرگونی شده، سرنوشت‌شان نیز عوض می‌شد؛ نشریات آنان نیز به تبع از گردانندگان خود، دچار رکود، سکون و سقوط می‌گردیدند. به گونه‌ای که می‌توان گفت در روزنامه‌نگاری مهاجرین، پیوسته افراط و تفریط حضوری فعال داشته است.

نکته دیگر اینکه، ادغام شدن گروه‌ها با همدیگر و متعاقب آن پیدایی احزاب و گروه‌های جدید و یا انشعابات پدید آمده در یک گروه و یا جریان‌ات سیاسی، بالطبع نشریات جدیدی را در صحنه روزنامه‌نگاری مهاجرین وارد می‌ساخت. از همین رو، پیوسته نشریات فراوانی با عمر کوتاه و زودگذر در عرصه مطبوعات شکل گرفته‌اند به گونه‌ای که در مواردی فقط یک شماره از نشریه‌ای منتشر شده و پس از آن به محاق تعطیل گرفتار آمده است.

عوامل صعود و سقوط نشریات مهاجرین

با توجه به آنچه که درباره اهداف و انگیزه‌های ایجاد نشریات گفته شد، عوامل منجر به صعود و سقوط نیز روشن می‌گردد. چراکه اوج شهرت و فعالیت یک نشریه زمانی است که حزب و گروه تأمین‌کننده منابع مالی بر سر اقتدار باشد. ولی به محض اینکه حزب و گروه تأمین‌کننده مالی یک نشریه، از گردونه اقتدار پایین آمده و به هر دلیل، امکانات آن بین جناح‌های آن تقسیم شد؛ نشریه یا نشریات آن گروه یا حزب، بنا بر مشکلات مالی و مشکلات ناشی از عدم تفاهم بر سر اهداف و آرمان‌ها و مشکلات ناشی از قدرت‌طلبی‌های فردی، خودبه‌خود دچار سقوط شده، مرگ سریع و یا مرگ تدریجی را تجربه کرده‌اند.

اگر تاریخچه نشریات مهاجرین را مورد تحقیق و تدقیق قرار دهیم در خواهیم یافت که فقط چند نشریه توانسته‌اند، بدون وقفه و در زمانی طولانی به حیات خود ادامه دهند.

برای اینکه بیشتر به ماهیت نشریات مهاجرین پی برده باشیم، نشریات را به سه دسته‌ی: «حزبی و گروهی»، «نیمه حزبی» و «هوادار» و در ظاهر مستقل» تقسیم می‌کنیم و از هر دسته نمونه‌هایی را به عنوان مثال مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف. نشریات حزبی و گروهی

هرگاه به نمایه‌های نشریات، به خصوص کتاب «نشریات فارسی زبان مهاجران افغانستانی در ایران» که اخیراً در اردیبهشت ۱۳۸۲ به همت محقق گرامی جناب آقای معین‌الدین محرابی تهیه و تألیف و

اسلامی (جمعیت اسلامی) و نشریه‌های هفته‌نامه وحدت و بنیاد وحدت و...

بقیه نشریات حزبی در همان شماره‌های اولیه از پای درآمده‌اند.^۲

ب. نشریات نیمه حزبی

همان‌طوری که اشاره شد، اکثریت نشریات اولیه مهاجرین، نشریات حزبی بوده‌اند. ولی از همان ابتدا تعدادی نشریات نیمه حزبی نیز منتشر شده‌اند که متأسفانه عمر آنها کوتاه بوده است. سرآمد نشریات نیمه حزبی اولیه، نشریات بود که توسط کانون مهاجر منتشر می‌گردید که معروف‌ترین آنها «پیام مهاجر» بود که از سال ۱۳۵۸ شروع به انتشار نمود.

نشریات کانون مهاجر را از آن جهت نیمه حزبی معرفی نمودیم که افراد این گروه متشکل از اعضا و هواداران برخی احزاب شناخته شده بودند.

ج. نشریات هوادار و در ظاهر مستقل

بعد از آن که جنگ‌های داخلی در افغانستان شکل گرفت، آرام آرام نشریاتی که به نوعی و در حد ضعیف هواداری از احزاب می‌نمودند پا در عرصه‌ی مطبوعات گذاردند. پیدایی این نشریات ناشی از آن بود که نشریات حزبی وظیفه اطلاع‌رسانی عمومی خود را که سابق بر این تا حدودی رعایت می‌کردند، کنار گذارده و فقط به ارائه گزارشات حزبی محدود نموده بودند. زمان پیدایی نشریات هوادار احزاب که با ظاهری مستقل شروع به فعالیت نموده بودند؛ بیشتر مربوط به دهه شصت بود. با این حال، عمر این نشریات نیز طولانی نبود و بر اثر فعل و انفعالات احزاب و پس از چندصباحی نفس کشیدن تعطیل می‌شدند. به عنوان مثال به یکی از نشریات مهمی که در شمار این سری نشریات قرار می‌گیرد اشاره می‌گردد.

– نشریه حبل‌الله^۳

«حبل‌الله» در سال ۱۳۶۲ تاسیس شد؛ هرچند در شماره اول آن، تاریخ تاسیس سال ۱۳۶۳ قید شده است.^۴ این نشریه از سوی شهید عبدالعلی مزاری که یکی از اعضای شورای مرکزی سازمان نصر افغانستان بود و بعدها به سمت رهبری حزب وحدت نائل گردید، پدید آمد. خط مشی این نشریه هیچ ارتباطی با سازمان نصر نداشت و حتی امکانات آن جدا از امکانات این سازمان بود.

در اینجا لازم است تا این نکته را نیز یادآور شویم که تاسیس نشریه «حبل‌الله» به گونه‌ای بود که بقیه کادر مرکزی سازمان نصر افغانستان در جریان تاسیس این نشریه قرار نگرفته بودند و وقتی هم از آن اطلاع یافتند، بخش عمده آن به مخالفت با این نشریه پرداختند.

به بازار عرضه شده نگاه کنیم، درخواهیم یافت که از مجموع ۲۲ عنوان نشریه‌ای که در سال ۱۳۵۸ در ایران شروع به فعالیت نموده‌اند؛ اکثریت قاطع این نشریات توسط احزاب شناخته شده جهادی منتشر شده‌اند. به طور مثال:

– آزادی، نشریه‌ای بود که به شکل ماهنامه فقط یک شماره منتشر شد. زیرا این نشریه از سوی جبهه‌ی آزادیبخش انقلاب اسلامی افغانستان منتشر می‌شد و عمر آن، چون خود جبهه بسیار کوتاه بوده است.

جبهه آزادیبخش در سال ۱۳۵۸ از مجموع ۱۰ حزب شیعی تازه تشکیل به وجود آمده بود که هر کدام خود، نشریه مستقل نیز داشتند. گروه‌های تشکیل‌دهنده جبهه آزادیبخش انقلاب اسلامی افغانستان و نشریات هر یک از آنها عبارت بودند از:

۱. استقامت / نشریه حرکت اسلامی افغانستان، سال تاسیس: ۱۳۵۸، ماهنامه، تا سال ۱۳۶۹ در ۷۵ شماره منتشر شده است.

۲. نهضت / نشریه نهضت اسلامی افغانستان، سال تاسیس: ۱۳۵۹، ماهنامه، عمر طولانی نداشت.

۳. هجرت / روحانیت و جوان (رجاء)، سال تاسیس: ۱۳۵۸، ماهنامه، عمر طولانی نداشت.

۴. پیام مستضعفین / سازمان نصر افغانستان، سال تاسیس: ۱۳۵۸، ماهنامه، تا سال ۱۳۶۸ در ۷۱ شماره منتشر شده است.

۵. دفاع / سازمان نیروی اسلامی افغانستان، سال تاسیس: ۱۳۶۲، ماهنامه، عمر طولانی نداشت.

۶. اتحادیه علمای افغانستان

۷. جهاد / مجاهدین خلق افغانستان، سال تاسیس: ۱۳۵۸، عمر طولانی نداشت.

۸. جهاد / جنبش مستضعفین افغانستان، سال تاسیس: ۱۳۵۸، عمر طولانی نداشت.

۹. امت / اسلام مکتب توحید، سال تاسیس ۱۳۵۸، عمر طولانی نداشت.

۱۰. پیام نور / حزب اسلامی رعد افغانستان، سال تاسیس: ۱۳۶۱، عمر طولانی نداشت.^۵

با یک نگاه اجمالی درمی‌یابیم که از مجموع نشریات یادشده، فقط دو نشریه «استقامت» و «پیام مستضعفین» عمر طولانی دارند. ولی بقیه نشریات، عمری کوتاه داشته‌اند. زیرا ائتلاف‌ها و اتحادها، بعضاً اسامی نشریات را نیز عوض نموده است. نشریات احزاب دیگر نیز سرنوشت مشابه داشته‌اند.

از مجموع نشریات حزبی فقط چند نشریه توانسته است شماره‌های خود را از پنجاه بالاتر ببرد. نشریه استقامت (حرکت اسلامی)؛ نشریه پیام مستضعفین (سازمان نصر)، نشریه انقلاب

این مخالفت از آنجا ناشی می‌شد که حبل‌الله، بیش از آنکه درباره سازمان نصر فعالیت کند و یا شخصیت‌های سازمان نصر را مطرح سازد؛ درباره کلیت جهاد و جامعه افغانستان و حتی دنیای اسلام فعالیت می‌نمود.

دلیل عمر طولانی و همین‌طور موفقیت نشریه «حبل‌الله» در ویژگی‌های غیرحزبی و مستقل آن بود. به گونه‌ای که شخصیت‌های برجسته‌ای از کشورهای مختلف جهان، مقالات خود را در حبل‌الله به چاپ می‌سپردند.

علیرغم این، وقتی حزب وحدت تشکیل شد، حبل‌الله نتوانست موقعیت گذشته خود را حفظ کند؛ لذا به مرور زمان، رفته رفته از نگاه موضع‌گیری در جایگاه یکی از نشریات حزب وحدت قرار گرفت و این خود، محبوبیت حبل‌الله را زیر سوال برد. حبل‌الله اگرچه تلاش نمود تا موقعیت گذشته خود را دوباره به دست آورد، ولی در این راه موفقیتی به دست نیاورد و به خصوص اینکه، با شهادت عبدالعلی مزاری، این نشریه متکی به حزب وحدت شد و سرانجام نیز در سال ۱۳۷۷ و پس از ۱۳۷۷ شماره انتشار، از فعالیت باز ماند و به محاق تعطیل گرفتار آمد. در یک جمع‌بندی کلی چنین نتیجه می‌توان گرفت که نقش احزاب در صعود و سقوط نشریات مهاجرین افغانستانی در ایران، بسیار حیاتی بوده است. در حقیقت این احزاب بودند که نشریات را اداره می‌کردند و در بسیاری از نشریات نیز، افراد برجسته و رده بالای احزاب قلم می‌زدند و گرداندگی اکثریت قاطع نشریات به عهده افراد حزبی بود. اگرهم گاهی افراد غیرحزبی و یا هوادار در نشریات فعالیت می‌نمودند؛ نقش آنان، بیشتر سمبولیک بود و اختیارات اصلی به دست مسئولان احزاب قرار داشت.

فروکش نمودن فعالیت جبهه‌های جنگ داخلی افغانستان تاثیر به سزایی در رونق نشریات داشت و برعکس، شدت جنگ به سرد شدن فعالیت نشریات می‌انجامید.

نقاط قوت و ضعف نشریات مهاجرین افغانستانی در ایران

این واقعیت را باید اعتراف نمود که اکثریت قریب به اتفاق دست‌اندرکاران، گردانندگان و نویسندگان نشریات مهاجرین افغانستانی در ایران، نه رشته روزنامه‌نگاری خوانده بودند و نه دوره‌های فنی و آموزشی نشریه‌داری را پشت سر گذاشته بودند بلکه شیوه عمل آنان پیوسته تقلیدی از روزنامه‌نگاری کشور میزبان بوده است. در حقیقت، روزنامه‌نگاری مهاجرین، روزنامه‌نگاری‌ای تجربی بود.

از این‌رو، نشریات مهاجرین در اطلاع‌رسانی، چه در سطح خبر و گزارش و چه در تحلیل وقایع، بیشتر به کلی‌گویی گرفتار آمدند. به گونه‌ای که تحلیل‌ها به اندازه‌ای دور از واقعیت بود که هرگاه خواسته باشیم از نشریات حزبی به عنوان سند و مدرک چیزی را نقل کنیم، جز

همان اتهامات و کوبیدن یکدیگر به ندرت به مطلب قابل توجهی برخورد می‌کنیم. همین ضعف است که موجب گردیده تا نشریات کشور میزبان و رسانه‌های خبری آن، اعتنایی به اخبار و گزارش‌ها و تحلیل‌های نشریات مهاجرین نداشته باشند.

این نیز گفته آید که کثرت عدم تطابق مطالب مندرج در نشریات مهاجرین، با آنچه که در کتب تاریخی درباره افغانستان نوشته شده؛ از اعتنای رسانه‌های خبری کشور میزبان به داده‌های نشریات مهاجرین کاسته است.

این دو عامل، یکی ضعف اطلاع‌رسانی و دیگری عدم مطابقت داده‌های مطبوعات مهاجرین با یافته‌های قبلی، روزنامه‌نگاری مهاجرین را به چالش گرفته است. این مساله نه در ایران که در خارج از ایران نیز چالش بزرگی برای مطبوعات مهاجرین بوده است. به گونه‌ای که در ایران، نشریات مهاجرین افغانستانی با بی‌مهری و بی‌میلی میزبان روبرو شد و در خارج از ایران نیز، رقبای سیاسی، فعالیت فرهنگی مهاجرین را به خود ایرانی‌ها نسبت دادند.^۶

عامل سوم که شاید کمتر از دو عامل نخست نباشد این نکته است که اگر این تعداد نویسنده و روزنامه‌نگار و شخصیت‌های فرهنگی در کشوری جز ایران و مثلاً در یکی از کشورهای اروپایی حضور می‌یافت؛ رسانه‌های خبری و تبلیغی آن کشور، از این حضور به نفع خودکمال استفاده را می‌بردند. در حالی که در ایران چنین نشده است.

عدم توجه کشور میزبان به جامعه فرهنگی مهاجر، نه تنها به هویت فرهنگیان مهاجر افغانستانی ضربه زد که به خود کشور میزبان نیز از نگاه تبلیغاتی آسیب رسانید.^۷

عامل چهارم آنکه روزنامه‌نگاری مهاجرین نتوانست، با نشریات کشور میزبان و حتی نشریات هموطنان خود در کشورهای دیگر رقابت کند؛ وابستگی مالی این نشریات به منابع حزبی و گروهی و عدم بازیافت پول فروش نشریات و عدم درج آگهی‌های تجاری در نشریات بود.

نگاهی اجمالی به سه نشریه‌ی «سراج»، «درّ دری» و «خط سوم»

دهه‌ی هفتاد، دهه‌ای است که در آن به ترتیب دو نشریه تا حدودی مستقل یعنی نشریه «سراج» و «درّ دری» در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۶ شروع به فعالیت نموده‌اند. بدون شک هیچ یک از نشریات دهه هفتاد به اندازه «سراج» و «درّ دری» موفق و مورد توجه نبوده‌اند. «سراج» که بیشتر صبغه و سیاق سیاسی و تاریخی داشت، نسبت به نشریه «درّ دری» که با صبغه و سیاق ادبی منتشر می‌شد؛ عمر بیشتری کرد. به گونه‌ای که نوزدهمین شماره آن در تابستان ۱۳۸۱ منتشر شده و هنوز تعطیل نشده است. ولی درّ دری پس از انتشار سیزدهمین شماره که در پاییز ۱۳۸۰ منتشر شده بود، از حرکت





باز ایستاد و یک سال بعد در پاییز ۱۳۸۱ با عنوان «خط سوم» مجدداً شروع به فعالیت نمود.

در واقع باید گفت «خط سوم» اولین نشریه فرهنگی مستقل است که در تاریخ مطبوعات مهاجرین افغانستانی در ایران منتشر شده است. اینکه «خط سوم» تا چه حد می‌تواند به کار خود ادامه دهد و عمر آن کوتاه و یا دراز خواهد بود، بستگی به آینده دارد. ولی این واقعیت را نباید انکار نمود که «خط سوم» محصول شکست ده‌ها و بلکه صدها نشریه‌ای است که از سوی گروه‌های حزبی به وجود آمد و پس از اندک زمانی به پایان خط رسید.

به عبارتی دیگر، روزنامه‌نگاری مهاجرین افغانستانی در ایران، با تمام ضعف‌ها و کمبودها و نواقص، دوره‌ی کودکی خود را از سر گذرانده است و در سال‌های بعد، زمانی که امنیت کامل در افغانستان برقرار گردد و نشریاتی به تمام معنی آزاد منتشر شود، این نشریات می‌توانند جلوه واقعی خود را به نمایش بگذارند. در واقع باید گفت، روزنامه‌نگاری مهاجرین افغانستانی در ایران، اسرار نهفته‌ای با خود دارد که بعدها روشن خواهد شد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. نشریات فارسی زبان مهاجران افغانستانی در ایران (۱۳۵۸-۱۳۸۱) / معین‌الدین محرابی. چاپ اول: تهران، ناشر مولف، ۱۳۸۲.

۲. شناسنامه احزاب و جریانات سیاسی افغانستان / بصیر احمد دولت آبادی. چاپ اول: قم، ص ۱۵۱-۱۵۲.

۳. صعود و سقوط نشریات حزبی به موقعیت خود احزاب جهادی در ایران وابسته بوده است. رک: شناسنامه احزاب و جریانات سیاسی افغانستان.

۴. حبل‌الله / ارگان سید جمال‌الدین حسینی؛ محل انتشار: تهران؛ مدیر مسئول: موحد بلخی؛ سردبیر: بصیر احمد دولت آبادی؛ تاریخ تاسیس: ۱۳۶۲؛ فاصله انتشار: ماهنامه؛ روش: (سیاسی، اجتماعی، از این نشریه ۱۳۷ شماره منتشر شده و آخرین شماره‌ی آن تاریخ خرداد - تیر ۱۳۷۷ را دارد.

۵. نگارنده این سطور در آخرین شماره «حبل‌الله» یعنی شماره ۱۳۷، در اشاره به این موضوع مطالبی بیان نموده و ضمن آن، فراز و نشیب حبل‌الله را یادآور شده است. رک: حبل‌الله همراه با شکست و موفقیت، از آغاز تاکنون / بصیر احمد دولت آبادی. آمده در: حبل‌الله، شماره ۱۳۷، خرداد - تیر ۱۳۷۷، ص ۲۱-۲۴.

۶. مثلاً نشریه «البدر» چاپ هلند که نشریه‌ای هوادار حزب اسلامی افغانستان است، بنابر همین دو عامل است که کل فعالیت‌های فرهنگی مهاجرین افغانستانی در ایران را به نهادهای رسمی ایران نسبت می‌دهد.

۷. البته این نکته را باید اذعان نمود که آقای معین‌الدین محرابی با اقدام جسورانه‌ای که در انتشار کتاب «نشریات فارسی‌زبان مهاجران افغانستانی در ایران» به عمل آورد؛ چهره دیگری از مهاجرین افغانستانی ارائه نمود؛ چهره‌ای که کمتر در ایران و حتی در میان جامعه مهاجر شناسانده و شناخته شده بود. وی با انتشار کتاب یادشده، به اندازه‌ی کل تلاش ۲۳ ساله‌ی خود مهاجرین، در شناسایی و معرفی جامعه‌ی فرهنگی و مطبوعاتی مهاجرین افغانستانی در ایران خدمت نمود.

نتیجه

بنابر آنچه گفته آمد، به این نتیجه می‌رسیم که مهاجرین افغانستانی در ایران، روزنامه‌نگاری را از صفر شروع کرده‌اند آن هم در قالب تنگ نشریات حزبی و گروهی؛ ولی به مرور زمان این باور قوت گرفت که نشریات باید فراتر از قلمرو احزاب فعالیت کنند. در نتیجه، رفته رفته نشریات نیمه مستقل و هوادار به وجود آمد و در آخر هم برخی از نشریات کاملاً مستقل و از جمله نشریات دانشجویی.

اگرچه در افغانستان پیوسته جهت‌گیری‌های سیاسی وجود خواهد داشت؛ ولی این واقعیتی است که از اواسط دهه‌ی هفتاد به بعد مهاجرین افغانستانی در ایران اقدام به انتشار نشریات نیمه مستقل و بالاخره مستقل نموده‌اند که این خود، یک تحول بزرگ در تاریخ روزنامه‌نگاری افغانستان به شمار می‌آید.

حال که نشریات حزبی عموماً و نشریات نیمه حزبی اکثراً تعطیل و یا به داخل افغانستان کشیده شده‌اند و جز چند نشریه دانشجویی، طلبگی و یا مستقل نشریه دیگری باقی نمانده است؛ این مطلب را خاطرنشان می‌سازم که ۲۳ سال فعالیت روزنامه‌نگاری مهاجرین افغانستانی در ایران، با تمام سختی‌ها و نامایمات خود، تجارب گرانبهایی بوده است که جز در مهاجرت نصیب نمی‌گردید. به خصوص برای مردم شیعه هزاره، زیرا جامعه هزاره پیوسته از روزنامه‌نگاری به دور نگاه داشته شده بود.

نشریات مردم هزاره، تا پیش از دوره مهاجرت از چند عدد تجاوز نمی‌کرد و نویسندگان این مردم نیز محدود بود. اما دوره مهاجرت منجر به پیدایی نویسندگان متعددی در این جامعه گردید و نشریات متعددی توسط مردم هزاره منتشر گردید به گونه‌ای که امروزه در کابل شاهد انتشار نشریات متعددی هستیم که در واقع محصول آموزه‌های روزنامه‌نگاری در دوره مهاجرت به ایران است. بنابراین باید اذعان نمود، مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران، از نقطه‌نظر فرهنگی و به خصوص در زمینه روزنامه‌نگاری تحول بزرگی را در جامعه افغانستانی موجب گردیده است.

